

## نگاهی به سابقه حضور تعدادی از ستاره های بازیگری در شبکه نمایش خانگی و همکاری با «حسن فتحی»

# این ۷ نفر

همکاری نداشت و با «ازایل» برای اولین بار مقابل دوربین این کارگردان رفت.

### بابک حمیدیان



بعد از سه سریال «عالیجناب»، «خاتون» و «هفت»، «ازایل» چهارمین همکاری «بابک حمیدیان» با شبکه نمایش خانگی به حساب می‌آید. او با «ازایل» اولین بار بود که در سریالی به کارگردانی «حسن فتحی» همکاری داشت. «حمیدیان» یکی از بازیگران مطرح سینما و تلویزیون است اما از سال ۱۳۹۴ دیگر فعالیتی در تلویزیون نداشته و آخرین حضورش در سینما هم به بازی در فیلم «غریب» به کارگردانی «محمدحسین لطیفی» در سال ۱۴۰۱ برمی‌گردد. از میان سریال‌هایی که او در شبکه نمایش خانگی بازی کرده، «خاتون» به کارگردانی «دینا پاکروان» یکی از مهم‌ترین آن‌هاست. «حمیدیان» در این سریال نقش یک کمیسر روس به نام «رجب‌اف» را بازی می‌کرد. او در سریال «تاسیان» هم هنرنمایی کرده است که شاهد پخش آن از شبکه نکایش خانگی هستیم.

### محمد بحرانی



«محمد بحرانی» از دهه ۸۰ تجربه بازی در سینما و تئاتر را داشته اما به واسطه صداپیشگی کاراکترهای عروسکی «بیعی»، «آقای همساده» و «جناب‌خان» به شهرت رسید. بعد از آن بود که به عنوان بازیگر هم فعالیت‌های مهمی را شروع کرد و از این جهت هم محبوبیتی به دست آورد. «بحرانی» در سریال‌های شبکه نمایش خانگی از جمله «گمشفته»، «هیولا»، «دراکولا» و «خوب، بد، جلف: رادیواکتیو» بازی داشت و علاوه بر این‌ها در برنامه‌های «شب‌های مافیای: زودیاک» و «صداتو» هم حضور پیدا کرد. «ازایل» اولین تجربه همکاری «بحرانی» با «حسن فتحی» بود.

**گروه سینما و تلویزیون** - بیش از یک ماه از انتشار قسمت سیزدهم و به عبارتی قسمت پایانی فصل اول سریال «ازایل» به کارگردانی «حسن فتحی» می‌گذرد؛ سریالی که پس از پخش قسمت آخر فصل نخست، «فتحی» با بیان یک سری دلایل، انصراف خود از ساخت فصل دوم این سریال را اعلام کرد تا داستان آن ناتمام باقی بماند و مخاطبان باری دیگر با یک سریال ناتمام مواجه شوند و البته حق دارند که خواستار به سرانجام رسیدن سریالی باشند که برای تماشای آن هزینه پرداخته و وقت گذاشته‌اند. البته «نماوا» اعلام کرده که تمام تلاش خود را به کار خواهد بست تا با برگزاری جلسات بین کارگردان و تهیه‌کننده، به اختلافات پایان دهد تا شاهد ارائه به موقع فصل دوم سریال «ازایل» باشیم. با این حال، «ازایل» با ایده جالب داستانی ماورایی به میدان آمد و از بازیگران نام‌آشنا و ستاره بهره برد اما حاصل فصل اول، چندان مطلوب مخاطبان نبود به خصوص این که انتظار می‌رفت در قسمت پایانی، گره خیلی از مسائل باز شود اما چنین اتفاقی نیفتاد و همه چیز منوط به ادامه ماجراها در فصل بعدی شد. با وجود پاسخ داده نشدن به سوالات مطرح شده در سریال، اما بازی بسیاری از بازیگران «ازایل» قابل توجه بود. «پیمان معادی»، «پری‌ناز این‌دیار»، «بابک حمیدیان»، «گوهر خیراندیش»، «علی مصفا»، «محمود پاک‌نیت» و «محمد بحرانی» از جمله مهم‌ترین بازیگران این سریال بودند. در این مطلب، سابقه حضور ۷ ستاره بازیگری سریال «ازایل» در شبکه خانگی و همکاری آن‌ها با «حسن فتحی» را بررسی کردیم.

### پری‌ناز این‌دیار



«پری‌ناز این‌دیار» در اولین سال‌های فعالیتش به عنوان بازیگر، در سال ۱۳۹۱ برای سریال «زمانه» مقابل دوربین «حسن فتحی» رفت. او بعد از «زمانه» در دو سریال «شهرزاد» و «جیران» مجدداً با فتحی همکاری کرد. حالا در «ازایل» چهارمین همکاری‌اش را با این کارگردان از سر می‌گذراند. «این‌دیار» به جز سه همکاری‌اش با «حسن فتحی»، با کارگردان دیگری در شبکه نمایش خانگی همکاری نداشته است. «این‌دیار» اولین دهه نودبا «مانه» به شهرت رسید، بعد از آن هم‌زمان با ایفای نقش شیرین در «شهرزاد»، با فیلم «ابد و یک‌روز» در اوج موفقیت قرار گرفت و سیمرغ بازیگری دریافت کرد. او حالا نزدیک به یک دهه است که به عنوان بازیگری پرکار و موفق در سینما و شبکه نمایش خانگی شناخته می‌شود.

### گوهر خیراندیش



سابقه همکاری «گوهر خیراندیش» با «حسن فتحی» به بازی در سریال‌های «اشک‌ها و لیخندها» و «میوه ممنوعه» برمی‌گردد. «خیراندیش» در «میوه ممنوعه» نقش همسر «یونس فتوحی» را داشت؛ زنی ساده و مهربان که درگیر ماجرای عشق همسرش به دختری جوان می‌شد. «خیراندیش» در «ازایل» سومین همکاری‌اش را با «حسن فتحی» تجربه کرد. او پیش

از «ازایل» در چند سریال شبکه نمایش خانگی از جمله «ساخت ایران»، «هیولا»، «خوب بد جلف: رادیواکتیو»، «آفتاب‌پرست» و «نوبت لیلی» بازی داشت.

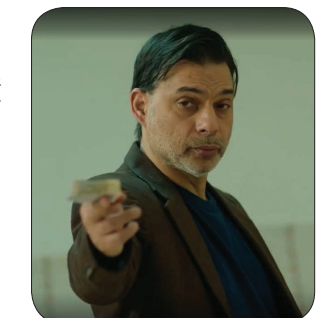
### محمود پاک‌نیت



سابقه همکاری «محمود پاک‌نیت» با «حسن فتحی» به دهه ۷۰ برمی‌گردد. «پاک‌نیت» سال ۱۳۷۶ در سریال «فردا دیر است» «حسن فتحی» بازی کرد و بعد از آن در سریال «روشن‌تر از خاموشی» مقابل دوربین این کارگردان رفت. سال ۱۳۸۰ یکی از مهم‌ترین همکاری‌هایش با این کارگردان در سریال «شب‌دهم» رقم خورد. او سال ۱۳۹۴ هم با ایفای نقش پدر «شهرزاد» در سریال «شهرزاد» با دیگر این همکاری را تکرار کرد. «پاک‌نیت» یکی از نقش‌های مهم این سریال را داشت و در روند داستان تأثیرگذار بود. او برای بار پنجم در «ازایل» با «حسن فتحی» همکاری دارد. «شهرزاد» تنها سریال شبکه خانگی بود که «پاک‌نیت» در آن بازی کرد و «ازایل» دومین حضورش در شبکه نمایش خانگی بود.

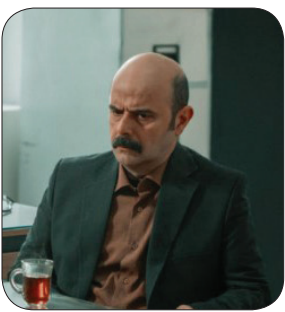
### پیمان معادی

«پیمان معادی» ابتدای سال گذشته برای اولین بار قدم به شبکه نمایش خانگی گذاشت و با سریال «افعی تهران» به یک پدیده تبدیل شد. او فیلمنامه این سریال را با دقت بسیار بالا به نگارش درآورد و خودش در جایگاه شخصیت اصلی، چنان قدرتمند به میدان آمد که مخاطبان از همان قسمت اول با سریال همراه شدند. بخش مهمی از موفقیت «افعی تهران» به خاطر حضور «معادی» بود. او پیش از «ازایل» هیچ همکاری دیگری با «حسن فتحی» نداشت و در این سریال در قامت یک پلیس مقابل دوربین این کارگردان رفت. «معادی» پیش‌تر در فیلم سینمایی



«متری شیش‌ونیم» هم نقش یک پلیس را ایفا کرده بود. او سال ۱۳۸۷ با بازی در فیلم «دریساره الی» به کارگردانی «اصغر فرهادی» به عنوان بازیگر به مخاطبان معرفی شد و بعد از آن با فیلم‌هایی همچون «جدایی نادر از سیمین»، «ابدو یک‌روز»، «متری شیش‌ونیم» قدرت‌ش را در بازیگری تثبیت کرد. او حالا یکی از مهمترین بازیگران سینمای ایران به حساب می‌آید و در چند اثر مهم خارجی هم بازی کرده است.

### علی مصفا



«علی مصفا» سالیان سال است که در سینما به واسطه بازی در نقش‌های اثرگذار و کارگردانی چند فیلم موفق جایگاه ویژه‌ای دارد. او فقط دو سریال برای تلویزیون بازی کرد که البته هم «کیف انگلیسی» و هم «پری‌دخت» جزو آثار فاخر تلویزیونی به حساب می‌آیند. «مصفا» چند سالی است در شبکه نمایش خانگی بسیار پرکار ظاهر شده است؛ در سریال‌هایی مثل «حرفه‌ای»، «میدان سرخ»، «هفت» و «شریک جرم» همکاری کرده و نقش اصلی سریال «مگه تموم عمر چند تا بهاره» «سروش صحت» بود؛ سریالی که بخشی از جذابیت آن به شخصیت «شاهین» با بازی «مصفا» برمی‌گشت. «مصفا» در تمام این سال‌ها هیچ‌گاه با «حسن فتحی»

بازی «مصفا» برمی‌گشت. «مصفا» در تمام این سال‌ها هیچ‌گاه با «حسن فتحی»

### نمای نزدیک



هم‌دیگر از نشانه‌های سرگردمی در روایت فیلمنامه محسوب می‌شود.

«رضا دادویی» کارگردانی تازه‌کار نیست و پیش‌تر تجربه‌های قابل‌توجهی همچون تله‌فلم «تعبیر خواب» با بازی «شهاب حسینی» را در کارنامه خود ثبت کرده بود اما بی‌شک برای خود او هم «آبان» ظرفیت تبدیل شدن به یک نقطه عطف را داشت؛ سریالی که مهم‌ترین پروژه او در مقام کارگردان بود و می‌توانست مسیر او را ورود جدی‌تر به این میدان را هموار کند. کارگردانی سریال «آبان» را می‌توان از دو منظر مورد ارزیابی قرار داد. «دادویی» در زمینه فضاسازی و استفاده درست از ابزارهایی همچون قاب‌بندی و حرکت دوربین، عملکرد قابل‌قبولی در مقام کارگردان داشت اما در حوزه استفاده درست از ظرفیت بازیگران حرفه‌ای، ایجاد توازن میان جنس نقش‌آفرینی‌ها در مقابل دوربین و مهم‌تر از آن کیفیت هدایت بازیگران در صحنه‌های فرعی، به سختی می‌توان به او نمره قبولی داد. البته که بخش عمده‌ای از ناکامی سریال در زمینه کارگردانی را هم می‌بایست متأثر از ضعف شدید فیلم‌نامه در پراخت درست شخصیت‌ها و موقعیت‌ها دانست. یکی از حس‌برانگیزترین وجوه «آبان» به عملکرد بازیگران آن باز می‌گردد که بی‌شک تأثیری مهم در ناکامی نهایی آن هم داشته است. «شهاب حسینی» هم بر سر «میرسید مولویان» به عنوان یکی از ستاره‌های نوظهور بازیگری ایران آمد و حجم بالایی استیضای بی‌منطق و فقدان هرگونه کنش‌گری مثبت برای کاراکتر «امیر» هیچ‌جایی برای بازی «مولویان» به جا نگذاشت. «لاله مرزبان» هم که پیش‌تر در فیلم «نگهبان شب» تجربه قابل‌قبولی در مقابل دوربین «رضا میرکریمی» در کارنامه‌اش ثبت‌شده بود، با قبول ایفای نقش اصلی این سریال، دست به یک ریسک زد که البته به نتیجه دلخواه هم نرسید. ضعف کارگردان در کنترل بازی‌های احساسی و بیرون‌گرای «مرزبان»، به شمایل او به‌عنوان یک بازیگر جوان آسیب وارد کرد و باید امیدوار باشیم که او در گام‌های بعدی، انتخاب‌های حساب‌شده‌تر و نقش‌آفرینی‌های همراهی‌برانگیزتری را در مقابل دوربین تجربه کند. در میان بازیگران سریال، «امین حیایی» و «مینا ساداتی» عملکرد قابل‌قبول‌تری نسبت به سایرین داشتند و توانستند کلیشه‌های خود را از آب‌ملاطم فیلمنامه «آبان» بیرون بکشند. توجه داشته باشید که بازیگران توانمندی همچون «مریم سعادت» و «حسین محبوب» به مددلیل آهنگسازان جذاب را به رویه منطقی درستی به سمت تبدیل شدن به فیلمنامه، سوق داده‌اند. فیلمنامه «آبان» هم به‌شدت از فقدان روابط علت‌ومعلولی میان حوادث‌رنج می‌برد و حتی کنش و واکنش شخصیت‌ها هم در آن از هیچ فرمول قابل‌دفاعی پیروی نمی‌کرد، به همین دلیل هم در نگاه کلی، هیچ‌یک از کاراکترهای سریال، به شخصیتی ماندگار در ذهن مخاطب تبدیل نشدند؛ کاراکترهایی غالباً تک‌بعدی که گویی خودشان به تصمیماتی که فیلمنامه‌نویس برای آن‌ها می‌گرفت، همراه نبودند! کافی است در قسمت پایانی فرآزمی مربوط به تلاش «آبان» برای رضایت گرفتن از زنی حاشیه‌نشین را که همسر معتادش توسط «ثابت» به قتل رسیده بود مرور کنیم؛ واقعه‌ا که کامیک از تصمیمات و واکنش‌ها در این فراز از داستان، منطقی بود؟! استفاده از تمهیداتی همچون سفر رفتن کاراکترها یا نقطه‌گذاری برای سرنویشت یک شخصیت با مرگ هم از قدیمی‌ترین و کلیشه‌ای‌ترین تمهیدات فیلمنامه‌نویسی است که این‌جا هیچ‌کمی به جمع شدن داستان نکرده علاوه بر این، سبکسازهای بی‌موردی همچون دیدار یک مأمور به «آبان» در یکی از قسمت‌های پایانی که عملاً به هیچ بر داشتی در پایان‌بندی داستان منجر نشد

### نقدی بر سریال «آبان»

## ناکامی در نیمه دوم!

**گروه سینما و تلویزیون** - پرونده سریال «آبان» به‌عنوان اولین محصول اختصاصی پلتفرم «شید» بعد از ۱۷ قسمت بسته شد تا گام اول برای این پلتفرم نوپا به سرانجام برسد؛ سریالی که شاید در طراحی اولیه و روی کاغذ، ظرفیت‌های بالقوه‌ای برای امیدواری داشت اما در مرحله اجرا، دچار اختلال‌هایی جدی شد و در نیمه دوم سریال در مسیر نزولی و ناکامی قرار گرفت. در رقابت ننگ‌انگ پلتفرم‌های خانگی، اصلی‌ترین سرمایه اعتماد مخاطب است و مرور تجربه پلتفرم‌های موفق و ناموفق به‌وضوح نشان می‌دهد که توفیق یا شکست یک محصول در زمینه جلب رضایت مخاطبان، تأثیری مستقیم بر سر نوشت پلتفرم عرضه‌کننده داشته است. پلتفرم نوپای «شید» در اولین گام برای ورود به میدان رقابت، سریال «آبان» به کارگردانی «رضا دادویی» را در کندهاکنش پخش خود قرار داد. پخش قسمت پایانی «آبان» بهانه‌ای شد برای آنالیز این سریال خانگی و بررسی وجوه مختلف آن که توجه به آن‌ها، بیش از هر چیز می‌تواند برای ادامه مسیر فعالیت «شید» تعیین‌کننده باشد. آن‌چه براساس بازخوردها نسبت به این سریال قابل‌کتمان نیست، ناکامی آن در راضی نگه داشتن بسیاری از مخاطبان است و در این مطلب به بخشی از مهم‌ترین دلایل این ناکامی خواهیم پرداخت. در اولین سکاس از اولین قسمت سریال «آبان» و پیش از آن که با شخصیت اصلی یعنی «آبان اسفندیاری» آشنا شویم، به همسرش «امیر پرو» آشنا شدیم؛ مردی مستاصل که برای دریافت کمک مالی از شخصی به نام «کهنمویی»، تن به هر تحقیری داد! این معرفی مخاطب را نسبت به انگیزه او و منطقی که می‌توانست این گونه‌خواری‌پذیری را توجیه کند کنج‌اکو کرد. در ادامه در جریان روابط عاشقانه میان «امیر» و «آبان» قرار گرفتیم و ماجرای نیاز مالی این زوج عاشق هم عیان شد. پای سرمایه‌گذاری برای یک استارت‌آپ در میان بود و «آبان» به‌عنوان یک جوان تبعید در این زمینه برای به بار نشستن ایده‌ای که در سر داشت، ناگزیر خود و خانواده‌اش را درگیر چالش‌های بزرگ به بهانه تأمین سرمایه کرده بود. به موازات این جریان، با «فریبرز ثابت» و «بابک حمود» هم آشنا شدیم. «آبان» و «امیر» تحت‌تأثیر «کهنمویی» به‌جبار سراغ «ثابت» می‌روند. در پایان همین قسمت ابتدایی، «ثابت» شرط خود برای متنازه که از «امیر» را با آبان مطرح می‌کند و این آغاز سلسله اتفاقات بعدی می‌شود. براساس آن‌چه از قسمت ابتدایی مرور کردیم، احتمالاً می‌بایست قسمت پایانی به بخشی از گره‌افکنی‌های ابتدایی پاسخ می‌داد و شاهد تحقق بخشی از اهداف شخصیت‌ها متناسب با آن‌چه در ابتدا برای آن‌ها تعریف‌شده می‌بودیم اما این گونه‌نشند! در طول ۱۶ قسمت، «آبان» آرام‌آرام از «امیر» فاصله گرفت و شاهد شکل‌گیری رابطه‌ای احساسی میان او و «فریبرز ثابت» بودیم. بر پایه همین موضوع هم «آبان» به بهره‌اصلی در شرکت «ثابت» تبدیل شد و در این میان ایده‌یک پای «ثابت» را به زندان هم باز کرده بود. در قسمت پایانی، «امیر» و فرزند مشترکش با «آبان»، راهی سفر شدند تا برآشنی از کانون اتفاقات دور شوند. «آبان» به‌مانند «امیر» در قسمت ابتدایی، به هر تحقیر و التماسی تن داد، تا «ثابت» را از زندان نجات دهد و سرانجام پیچیده‌ترین کاراکتر روایت یعنی «فریبرز ثابت» هم با ساده‌ترین انتخاب رقم خورد؛ یعنی مرگ! هلدینگ عظیم «ثابت» هم با اعلام ورشکستگی از سوی هیئت مدیره به‌طور کامل فرو ریخت و هرآن‌چه «ثابت» از اموال و دارایی برای خود جمع کرده بود، به «آبان» رسید تا او با چشمانی گریان به جاده بزند و سراغ «امیر» و فرزندش برود! قبل از هر عامل دیگری باید اصلی‌ترین عامل شکست و ناکامی «آبان» را در متن فیلمنامه آن جست‌وجو کرد. هر چند نگارش این فیلمنامه را «امیرمحمد عبیدی» و «پوریا کاکاوند» برعهده داشته‌اند اما این‌چه مخاطبان حرفه‌ای‌تر را در ابتدای مسیر به این سریال و داستان آن امیدوار کرده بود، حضور «مجید مولایی» در مقام طراح داستان و تهیه‌کننده بود. «مولایی» پیش‌تر به‌عنوان طراح و فیلمنامه‌نویس، دو سریال موفق «می‌خواهم زنده بمانم» و «ه‌ایم کن» را در شبکه خانگی به سرانجام رسانده بود و انتظار می‌رفت این‌بار هم ایده‌ای جذاب را به رویه منطقی درستی به سمت تبدیل شدن به فیلمنامه، سوق داده باشد. فیلمنامه «آبان» هم به‌شدت از فقدان روابط علت‌ومعلولی میان حوادث‌رنج می‌برد و حتی کنش و واکنش شخصیت‌ها هم در آن از هیچ فرمول قابل‌دفاعی پیروی نمی‌کرد، به همین دلیل هم در نگاه کلی، هیچ‌یک از کاراکترهای سریال، به شخصیتی ماندگار در ذهن مخاطب تبدیل نشدند؛ کاراکترهایی غالباً تک‌بعدی که گویی خودشان به تصمیماتی که فیلمنامه‌نویس برای آن‌ها می‌گرفت، همراه نبودند! کافی است در قسمت پایانی فرآزمی مربوط به تلاش «آبان» برای رضایت گرفتن از زنی حاشیه‌نشین را که همسر معتادش توسط «ثابت» به قتل رسیده بود مرور کنیم؛ واقعه‌ا که کامیک از تصمیمات و واکنش‌ها در این فراز از داستان، منطقی بود؟! استفاده از تمهیداتی همچون سفر رفتن کاراکترها یا نقطه‌گذاری برای سرنویشت یک شخصیت با مرگ هم از قدیمی‌ترین و کلیشه‌ای‌ترین تمهیدات فیلمنامه‌نویسی است که این‌جا هیچ‌کمی به جمع شدن داستان نکرده علاوه بر این، سبکسازهای بی‌موردی همچون دیدار یک مأمور به «آبان» در یکی از قسمت‌های پایانی که عملاً به هیچ بر داشتی در پایان‌بندی داستان منجر نشد

بررسی اجرای «سروش صحت» در برنامه «اکنون»

## چند پله بالاتر از «کتاب‌باز»



«سروش صحت» به واسطه بازیگری، کارگردانی، نویسندگی و اجرا، چهره‌ای محبوب است و چند ماهی است که با اجرای برنامه «اکنون» در شبکه نمایش خانگی بیش از پیش در مرکز توجه‌ها قرار گرفته است. با تماشای قسمت‌های مختلف برنامه «اکنون» می‌توانیم دریابیم که این برنامه حتی از «کتاب‌باز» هم چند پله‌ای بالاتر است و «صحت» هم در انتخاب هم‌زمان‌ها و هم چگونگی گفت‌وگو با آن‌ها حرفه‌ای‌تر عمل می‌کند. ضمن این که فضای به نسبت بازتر پلتفرم هم به نسبت تلویزیون دست او را برای انتخاب هم‌زمان‌ها و شیوه گفت‌وگو بازر گذاشته است. زمانی که «سروش صحت» و «محمدرضا ضایان» بعد از «کتاب‌باز» تصمیم گرفتند برنامه «اکنون» را برای پلتفرم فیلم‌مو تولید کنند، گمان می‌کردیم مثل خیلی از برنامه‌های شبکه نمایش خانگی برای جلب توجه مخاطبان سراغ چهره‌های مطرح خواهند رفت. به هر حال فرمول ساخت برنامه در پلتفرم‌ها با تلویزیون متفاوت است و خیلی از برنامه‌ها بدون حضور سلبریتی‌ها دیده نمی‌شوند. نکته مهم این جاست که «صحت» برخلاف پیش‌بینی، سراغ چهره‌های همیشه حاضر در شبکه خانگی نرفت و دست روی هم‌زمان‌هایی گذاشت که هر کدام در رشته خودشان صاحب امضا بودند و حرف‌های بسیار مهمی برای گفتن داشتند. صحت همراه با تیم «اکنون» میزبان افرادی شد که شاید نمی‌توانستیم آن‌ها را در تلویزیون ببینیم و حتی در صورت حضور هم شاید مصاحبه با آن‌ها تا این حد جذاب پیش نمی‌رفت. «نهای تجدد»، «حمید علی‌دوستی»، «سهراب پورناظری» و «دینا پاکروان» از جمله هم‌زمان‌هایی بودند که علاقه‌مندان برنامه «اکنون» را شگفت‌زده کردند. بخش‌های مختلف مصاحبه‌هایشان در فضای مجازی بارها دست‌به‌دست شد و به چهره‌های جذباتری نزد مخاطبان تبدیل شدند. «صحت» در «کتاب‌باز» ثابت کرده بود فردی واقعا کتاب‌باز است و بهترین گزینه برای اجرای چنین برنامه‌ای به حساب می‌آید و در «اکنون» هم همین کتاب‌باز بودنش به مهم‌ترین برگ برنده‌اش تبدیل شده است. او در گفت‌وگو با هم‌زمان‌ها مدام از کتاب‌های مختلف مثال می‌آورد و سعی می‌کند اطلاعات بیشتری درباره مسائلی که مطرح می‌شود به مخاطبان بدهد. وقتی حس می‌کند ممکن است جایی از حرف‌های هم‌زمان برنامه به نظر مخاطب پیچیده به نظر برسد، از او می‌خواهد متوقف شود و شروع می‌کند به ساده‌ترین شکل درباره آن مسئله صحبت می‌کند یا از هم‌زمان برنامه می‌خواهد توضیح بیشتری بدهد. او به‌طور کلی اجازه نمی‌دهد مخاطبانش سردرگم شوند یا احساس کنند سطح برنامه آن‌ها قدر بالاتر از ارتباطات دیگران. هر مخاطبی با هر سطح سوادی اگر علاقه‌مند به «اکنون» باشد می‌تواند برنامه را ببیند و درک کند. نکته مهم این که با وجود تسطش روی ادبیات، هیچ وقت نه ژست روشنفکری می‌گیرد و نه رفتارش را غرور همراه است. هر قسمت از برنامه «اکنون» شروع متفاوتی با دیگری دارد. مثلاً «صحت» گفت‌وگو با «حمید علی‌دوستی» را از کلام خودش شروع می‌کند. وقتی حاضر می‌شود و شروع می‌کند به صحبت درباره یک چگونگی علاقه‌اش به شعر و شاعری می‌پرسد و به این شیوه وارد گفت‌وگو می‌شود. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های «صحت» در گفت‌وگو این است که در هیچ نقطه‌ای ارتباطش با مصاحبه قطع نمی‌شود. تمام مدت آن قدر مشتاق به صحبت‌های مهمان گوش می‌دهد و با او مشارکت می‌کند که هیچ سوال یا ابهامی باقی نمی‌ماند و در عین حال مصاحبه درست به سمتی می‌رود که «صحت» از پیش برنامه‌ریزی کرده است. گفت‌وگوها به قدری صمیمی و جذاب پیش می‌روند که کمتر پیش می‌آید حس کنیم حوصله‌مان سر رفته یا علاقه‌ای به شنیدن ادامه آن نداریم. اکثر گفت‌وگوهای «اکنون» علاوه بر صمیمیتی که در آن‌ها جاری است پر از مطالبی است که با شنیدن آن‌ها نکته‌ای به آموخته‌های مخاطبان اضافه می‌شود. «صحت» به‌خوبی از تناقضات پلتفرم‌ها و فضای بازترشان نسبت به تلویزیون استفاده می‌کند و در گفت‌وگو با هم‌زمان‌ها مواردی را مطرح می‌کند که باعث جذاب‌تر شدن مصاحبه می‌شود؛ مثلاً در گفت‌وگو با «سهراب پورناظری»، مصاحبه را به سمتی می‌کشد که همه از زبان او بشنوند که فردی مثل «سهراب پورناظری» هم آهنگ شیش و هشتی گوش می‌دهد و این مسئله هیچ اشکالی هم ندارد، یا مثلاً در گفت‌وگو با «عبدالجبار کاکایی» از اشتباه‌ترانه در یکی از آهنگ‌های محبوب یکی از خوانندگان قدیمی حرف می‌زند تا همه را متوجه این مسئله کند که موسیقی خیلی وقت‌ها کلام را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

یکی از بخش‌های جذاب گفت‌وگوهای «صحت» معاشرت‌هایی خارج از چارچوب اصلی است که به صورت سپاه‌وسفید پخش می‌شود. جایی که به همراه «حمید علی‌دوستی» گرامافون را روشن می‌کنند و صفحه می‌گذارند یا جایی که همراه با «کاکاوند» و سایر عوامل پشت‌صحنه دنبال آهنگ «آشتی ز کاروان جدا مانده» می‌گردند موقعیت جذابی ایجاد می‌کند که فضا صمیمانه‌تر می‌شود و انگار مخاطبان هم در خودمانی میان آن‌ها حضور دارند. به‌طور کلی «سروش صحت» به استاندارد در اجرای برنامه «اکنون» رسیده است که مخاطبان حتی اگر هم‌زمان برنامه را نشانند یا از او خوششان نیاید باز هم ترجیح می‌دهند برنامه را تماشا کنند چون مطمئنند «صحت» حتماً چیزی برای ارائه در هر قسمت دارد. برنامه «اکنون» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی «محمدرضا ضایان» و میزبانی «سروش صحت» سه‌شنبه‌ها به شکل اختصاصی از پلتفرم «فیلم‌مو» منتشر می‌شود.